



نگاهی به شخصیت امام حسن (رض) از دیدگاه فریقین

مولوی رحمت الله سالارزهی
(مذهب: حنفی - استان سیستان و بلوچستان)

ولادت امام حسن

امام حسن (رض) پسر علی بن ابی طالب، پسر عبدالمطلب، پسر هاشم، پسر عبدمناف است. بنا به روایت مشهور بین شیعه و اهل سنت، امام حسن (رض) در شب نیمه ماه مبارک رمضان، سال سوم هجرت در شهر مدینه دیده به جهان گشود.

محبّ الدین طبری به سندش از اسماء دختر عمیس نقل کرده که گفت: فاطمه (س) فرزندش حسن را به دنیا آورد. پیامبر (ص) بر او وارد شد و فرمود: ای اسماء! فرزندم را نزد من آر. من او را در پارچه‌ای زرد پیچیده و به حضرت دادم. حضرت آن پارچه را از او جدا کرد و فرمود: آیا به شما سفارش نکردم که مولودی را در پارچه زرد نیچید؟! اسماء می‌گوید: فرزند را در پارچه‌ای سفید پیچیدم. حضرت او را گرفت و در گوش راستش اذان و در گوش چپش اقامه خواند. آن‌گاه به علی (ع) فرمود: او را چه نام گذاردی؟ حضرت عرض کرد: من هرگز بر نام‌گذاری از شما سبقت نمی‌گیرم. پیامبر (ص) فرمود: من نیز از پروردگارم در این امر سبقت نمی‌گیرم.

جبرئیل در این هنگام نازل شد و فرمود: ای محمد! پروردگارت تو را سلام می‌رساند و می‌گوید: علی نزد تو به منزله هارون نزد موسی است، ولیکن پیامبری بعد از تو نیست. فرزندت را به اسم فرزند هارون نام‌گذاری کن. پیامبر (ص) فرمود: ای جبرئیل! اسم فرزند هارون چه بوده است؟ جبرئیل عرض کرد: شبّر. حضرت فرمود: زبان من عربی است! جبرئیل عرض کرد: نام او را حسن بگذار. بنابراین حضرت او را حسن نامید» (ذخائرالعقبی، ص ۱۲۰)

در رابطه با سیمای امام حسن از طریق زهری از انس روایت است که هیچ احدی از حسن بن علی (رض) شبه به نبی اکرم (ص) نبود (الاصابه فی تمییز الصحابه، ج ۱، ص ۱۱۹).

امام حسن از دیدگاه رسول خدا

امام حسن (رض) هشت سال داشت که داغ ارتحال ملکوتی پیامبر (ص) را بر دل خود احساس کرد. در این مدت پیامبر محبت شایانی را در حق حضرت روا داشت، به گونه‌ای که روایات فراوانی از شیعه و سنی در این رابطه نقل شده است. شیفتگی و علاقه زیاد پیامبر اکرم (ص) به امام حسن (رض) به اندازه‌ای بود که در زمان زندگانی ایشان، همه مردم جایگاه وارسته امام حسن (رض) را می‌شناختند. پیامبر بسیار می‌فرمود: «حسن از من و من از اویم، هر کس او را دوست بدارد، خدا دوستش خواهد داشت» و نیز همواره می‌فرمود: «حسن (رض) گل خوشبوی من است».

ابراز محبت پیامبر (ص) نسبت به امام حسن (رض) تا جایی بود که همواره مردم او را در آغوش پیامبر می‌دیدند. گاهی که پیامبر بالای منبر مشغول سخنرانی بود، با دیدن امام حسن (رض) سخنانشان را قطع می‌کرد و از منبر به پایین می‌آمد. سپس او را در آغوش



می‌گرفت و به او محبت و مهرورزی می‌کرد. همواره او را می‌بوسید و سه مرتبه این سخن را تکرار می‌کرد: «خداوندا! من او را دوست دارم و هرکه او را دوست بدارد نیز دوست خواهم داشت». روزی پیامبر(ص) در نماز جماعت، به سجده رفت و سجده را طولانی کرد، تا جایی که بعضی از نمازگزاران شگفت زده شدند. وقتی نماز تمام شد، از ایشان پرسیدند: ای رسول خدا، سجده را به اندازه‌ای طولانی کردید که ما فکر کردیم در سجده بر شما وحی نازل شده است، پیامبر(ص) فرمود: «خیر! وحی بر من نازل نشد، ولی فرزندم حسن(رض) بر دوش من رفته بود و من می‌خواستم او خود پایین بیاید. از همین رو، صبر کردم و سجده‌ام طولانی شد».

این ابراز محبت تا جایی بود که گاه تعجب دیگران را برمی‌انگیخت و از خود می‌پرسیدند چرا پیامبر(ص) این اندازه حسن(رض) و برادرش حسین(رض) را دوست می‌دارد. این در حالی است که پیامبر جز حسن و حسین(رض)، نوه‌های دیگری نیز داشتند، بارها در کوچه‌های مدینه پیامبر(ص) را می‌دیدند که حسن(رض) را بر دوش راست و حسین(رض) را بر دوش چپ خود سوار کرده بود. روزی ابوبکر(رض) حضرت را دید و گفت: «ای رسول خدا! بردن هردوی آنها برای شما دشوار است. یکی از آنها را به من بدهید». پیامبر(ص) فرمود: «هم مرکب آنها مرکب خوبی است و هم خود این دو خوب سوارکارانی هستند». ترمذی به سندش از ابن عباس نقل کرده: «روزی رسول خدا(ص) حسن بن علی را بر دوش خود سوار کرده بود. شخصی عرض کرد: ای غلام! خوب مرکبی را سوار شده‌ای. پیامبر(ص) فرمود: او نیز خوب راکبی است» (سنن ترمذی، ج ۵، ص ۳۲۷). ابن کثیر نیز به سندش از جابر بن عبدالله نقل کرده که رسول خدا(ص) فرمود: «من سرّه ان ینظر الی سیّد شباب اهل الجنّة فلینظر الی الحسن بن علی» (البدایه و النهایه، ج ۸، ص ۳۵)؛ «هر کس دوست دارد تا به آقای جوانان اهل بهشت نظر کند، باید به حسن بن علی نظر نماید».

امام حسن در کلام بزرگان اهل سنت

۱. محمد بن حنفیه

وی پس از شهادت امام حسن مجتبی(رض) بر مزار ایشان، حاضر می‌شد و با اندوه

می‌گفت: «خدای تو را رحمت کند، ای ابامحمد! همان‌گونه که زندگانی‌ات سبب سربلندی و افتخار ما بود، شهادتت نیز به همان اندازه سنگین و کمرشکن بود. چه روح بزرگواری داشتی و چه پربرکت بود آن بدن که کفن او را در برگرفت. آری! چگونه چنین نباشد که تو فرزند هدایت بودی و هم پیمان پرهیزکاری. در دامن اسلام پرورش یافته بودی و از سینه ایمان شیر نوشیده بودی. تو آن همه پیشینه درخشان و مراتب بزرگ را به نام خود رقم زدی».

۲. ابوبکر

ابوبکر درباره امام حسن و امام حسین (رض) گفته است: «حسن و حسین (رض) را دیدم، در حالی که رسول خدا (ص) نماز می‌خواند و آن دو بر پشت پیامبر (ص) سوار شده بودند. رسول خدا آن دو را با دست خود نگه داشت و آنان را به آهستگی بر زمین گذارد که برخیزند و آنان به راحتی بر زمین ایستادند. وقتی نمازش به پایان رسید، آن دو را در دامن خود نشانید و نوازش کرد و فرمود: این دو پسر، دو گل خوشبوی من در این دنیا هستند».

۳. ابوهریره

وی می‌گوید: کسی نزد من محبوب‌تر از حسن بن علی نبود، بعد از آنکه رسول خدا (ص) در حق او فرمود: «اللهم انی احبه فاحبه و احب من یحبه» (مستدرک حاکم، ج ۳، ص ۱۶۹)؛ «خدایا! من او را دوست دارم، پس تو نیز او را و هرکس که او را دوست دارد دوست بدار».

۴. ابن حجر هیتمی

او می‌نویسد: «کان الحسن (رض) سیداً کریماً حلیمماً زاهداً ذا سکینه و وقار و حشمة، جواداً ممدوحاً»؛ «حسن (رض) آقایی کریم، بردبار، زاهد، دارای سکینه و وقار و حشمت، اهل جود و مورد مدح و ستایش بود» (صواعق المحرقة، ص ۸۲).

۵. ابن عبد البر

او می‌گوید: «و کان ورعاً فاضلاً»؛ «او مردی با ورع و فاضل بود» (الاستیعاب در حاشیه الاصابه، ج ۱، ص ۳۶۹).

۶. محمد عبده یمانی

او در فضایل امام می‌نویسد: «حسن و برادرش در دامان پیامبر(ص) تربیت شده و بزرگ شدند. بنابراین آن دو بر اخلاق خیر و اخلاق نبوت پایه‌گذاری شده، تا آنکه بر آن بالا آمدند. در وجود او اوصاف جدش و نشانه‌های حیات معنوی رسول خدا(ص) و اخلاق عظیم و علم واسع او است. او با حشمت و جاه و وقار بزرگ شد. مردم او را دوست داشتند. زبانش عقیف بود. هرگز فحشی از او شنیده نشد. فصیح، بلیغ و زبانی روان داشت. بلاغت و فصاحت را از جدش رسول خدا(ص) و از پدر و مادرش به ارث برده بود...»
(علموا اولادکم محبة آل بیت النبی(ص)، ص ۱۲۴).

خصوصیات اخلاقی امام حسن(رض)

درباره خصوصیات اخلاقی و سیره امام حسن(رض) روایات بسیاری آمده است که برای آشنایی بیشتر، به برخی از این خصوصیات اشاره می‌شود:

حلم و بردباری

ابن خلکان از ابن عایشه نقل کرده که مردی از اهل شام می‌گوید: من وارد بر مدینه شدم - که بر ساکن آن برترین سلام و درود باد - مردی را دیدم که بر استر خود سوار است و همانند او در زیبایی صورت و لباس و چهارپا ندیدم. قلبم به او متمایل شد. سؤال کردم که او کیست؟ گفتند: این شخص حسن بن علی بن ابی طالب است. دلم تبدیل به بغض و حسد نسبت به علی(رض) شد که چگونه فرزندی مثل این آقا دارد. نزد او رفتم و به او گفتم: آیا تو فرزند علی بن ابی طالب هستی؟ حضرت فرمود: آری، من فرزند اویم. گفتم: به جهت فلان کاری که تو و پدرت کرده‌اید شما دو نفر را سبّ می‌کنم. سخنانم که تمام شد، حضرت فرمود: گمان می‌کنم که تو غریبی؟ گفتم: آری. حضرت فرمود: نزد ما بیا، اگر به منزلی احتیاج داری تو را در آنجا ساکن می‌کنیم، یا به مالی نیازمندی به تو عطا می‌نماییم، یا حاجتی داری تو را کمک خواهیم کرد. او می‌گوید: من از نزد او رفتم در حالی که کسی محبوب‌تر از او نزد من نبود. هرگاه طریقه مقابله او را با خودم یاد می‌کنم و آنچه که من با او انجام دادم، او را سپاس گفته و خودم را سرزنش می‌نمایم (ابن خلکان، وفيات الاعیان، ج ۲، ص ۶۸).

توجه به محرومان

امام حسن (رض) نه تنها از نظر علم، تقوا، زهد و عبادت، مقامی برگزیده و ممتاز داشت، بلکه از نظر دست‌گیری از بیچارگان و درماندگان نیز در زمان خود زبانزد خاص و عام بود. وجود گرمی آن حضرت آرام‌بخش دلهای دردمند و پناهگاه مستمندان و تهیدستان و نقطه امید درماندگان بود. هیچ فقیری از در خانه آن حضرت دست خالی بر نمی‌گشت. هیچ آزرده دلی شرح پریشانی خود را نزد آن بزرگوار بازگو نمی‌کرد، جز آنکه مرهمی بر دل آزرده او می‌نهاد. گاه پیش از آنکه مستمندی اظهار نیاز کند و عرق شرم بریزد، نیاز او برطرف می‌کرد و اجازه نمی‌داد رنج و ذلت درخواست کردن را بر خود هموار سازد. ابن شهر آشوب در کتاب «الفنون» از احمد مؤدب و کتاب «نزهة الابصار» از ابن مهدی نقل می‌کند: امام حسن (رض) در حال گذر از جایی بود، دید عده‌ای از فقرا بر زمین نشسته‌اند و مقداری نان خشک خورد شده در سفره آنها است و مشغول خوردن هستند، از حضرت دعوت کردند از آن نان خشک میل کند، حضرت از مرکب پیاده شد در کنارشان نشست و از آن نان میل کرد، به برکت وجود امام، نان آن قدر زیاد شد که همه از آن خوردند و سیر شدند، پس از غذا امام مجتبی (رض) از آنها دعوت کرد و در منزل خود از آنان پذیرایی نمود و می‌توان گفت که بارزترین ویژگی امام مجتبی (رض) که بهترین سرمشق برای دوستداران اوست، بخشندگی بسیار و دست‌گیری از دیگران است. ایشان به بهانه‌های مختلف، همه را از خوان کرم خویش بهره‌مند می‌ساخت و آن قدر بخشش می‌کرد تا شخص نیازمند بی‌نیاز می‌شد؛ زیرا طبق تعالیم اسلام، بخشش باید به گونه‌ای باشد که فرهنگ‌گدایی را ریشه‌کن سازد و در صورت امکان، شخص را از جرگه نیازمندان بیرون کند.

نقل است که امام حسن (رض) هیچ‌گاه سائلی را رد نکردند و در برابر درخواست او نه نگفتند و همواره انفاق و بخشش نمودند. وقتی از حضرت پرسش می‌شود چگونه است که هیچ‌گاه سائلی را رد نمی‌کنید؟ حضرت پاسخ می‌دهند: من سائل درگاه خدا هستم و راغب در پیشگاه اویم و من شرم دارم که خود درخواست کننده باشم و سائلی را رد کنم و خداوند مرا عادت داده که نعمتهایش را بر من فرو ریزد و من نیز در برابر او عادت کرده‌ام

که به مردم توجه کنم و نعمتهای خدا را به آنان ببخشم. هنگامی که سائلی نزد من آید به او گویم: خوش آمدی ای کسی که بر من فرصتی است عاجل و کسی که فضیلت او برتر است بر هر فاضل و بهترین روزهای جوانمرد روزی است که مورد درخواست قرار گیرد و کسی از او رفع نیازی بطلبد».

سخاوت و بخشش

امام حسن (رض) در تمامی صفات نیک بی‌مانند بود. تاریخ‌نویسان نوشته‌اند که حضرت در طول عمر شریف و پربرکت خود، سه بار مال و اثاث زندگی‌اش را تقسیم فرمود، به گونه‌ای که یک جفت کفش برای خود برمی‌داشت و یک جفت به مستمندان می‌داد. ابن صباغ مالکی در این باره می‌نویسد: «الکرم و الجود عزیزة مغروسة فیه»؛ «کرم و جود غریزه‌ای بود که در آن حضرت کاشته شده بود» (الفصول المهمه، ص ۱۵۷).

ابن عساکر به سندش از عامر نقل کرده که گفت: «انّ الحسن بن علی قاسم الله تعالی ماله مرتین حتی تصدّق بفرد نعله» (تاریخ دمشق، ص ۱۴۳)؛ «حسن بن علی با خدا اموالش را دو بار تقسیم نمود، حتی اینکه به یک عدد از نعلینش صدقه داد».

آورده‌اند که روزی امام مجتبی (ع) شنید مردی در دعا با پروردگار خویش با گریه می‌گوید: «خدایا! ده هزار درهم به من روزی بده»، امام وقتی سخن او را شنید سریع از مسجد به خانه برگشت و به همان مقدار درهم از خانه برداشت و به او داد. مرد، بسیار خوشحال شد؛ اما وقتی خواست سکه‌ها را ببرد، نتوانست آن را حمل کند. رو به امام کرد و گفت: «اکنون دو نفر را صدا بزن که این سکه‌ها را برای من حمل کنند». امام، عبايش را از دوش برداشت و سکه‌ها را درون آن گذاشت و دستور داد تا آن را برای مرد ببرند؛ اما دیگر درهمی در میان نبود که به آن دو نفر بدهد. غلامان حضرت گفتند: دیگر (حتی) درهمی نداریم، امام فرمود: اما من امید پاداشی بزرگ از نزد پروردگار خویش دارم.

نمونه‌ای دیگر را از «محاسن» بیهقی، چنین نقل می‌کند: «مردی نیازمند، خدمت امام حسن مجتبی (رض) رسید و نیاز خویش را مطرح کرد. حضرت فرمود: برو و خواسته‌ات را روی کاغذی بنویس و پیش ما بیاور، تا آن را بپردازیم. او رفت و نیازمندی‌اش را نوشت و آورد. حضرت دو برابر آن به وی بخشید. یکی از هم‌نشینان و اهل جلسه گفت:

«چه نامه پربرکتی برای او بود ای پسر پیامبر! امام فرمود: برکت او بر ما بیشتر بود؛ چرا که آن شخص، ما را اهل نیکی قرار داد. مگر نمی‌دانی که نیکی و معروف، آن است که بدون درخواستِ طرف، پرداخته شود؟ اما وقتی کسی از تو درخواستی می‌کند و به او عطا می‌کنی، تو در مقابل آبرویی که او از خودش در برابر تو ریخته است، عطا می‌کنی؛ شاید او شب را تا صبح، بی‌تاب بوده و به خود می‌پیچیده و بین بیم و امید به سر می‌برده و نمی‌دانسته که آیا خواسته و نیازش ادا خواهد شد یا نه؟ با حالتی نگران و مردد پیش تو آمده است. اگر تو در مقابل آبرویی که او پیش تو ریخته است، به او چیزی بدهی، اهمیت کار او پیش از عطای توست!» (محاسن، ص ۵۵).

شکوه و وقار

حضرت رسول(ص) فرمود: «به حسن، شکوه، جذبه و وقار و به حسین، بخشندگی و رحمت خود را بخشیدم».

ذهبی در این باره می‌نویسد: «الحسن بن علی بن ابی‌طالب، ریحانة رسول الله(ص) و سبطه، و سیّد شباب اهل الجنّة، و قد کان هذا الامام سیّداً و سیماً، جمیلاً، عاقلاً، رزیناً، جواداً، ممدحاً، خیراً، دیناً، ورعاً، محتشماً، کبیر الشان»؛ «حسن بن علی بن ابی‌طالب، دسته گل رسول خدا(ص) و سبط او و بزرگ جوانان بهشت، این امام، بزرگواری بود تنومند، اهل خیر، بسیار دیندار، با ورع، دارای حشمت و جاه و شأنی بزرگ».

عبادت و زهد

امام حسن(رض) هرگاه وضو می‌گرفت، بندهای بدنش می‌لرزید و رنگ مبارکش زرد می‌گشت. سبب این حال را از آن حضرت پرسیدند و ایشان فرمودند: «سزاوار است بر کسی که می‌خواهد نزد رب العرش به بندگی بایستد، رنگش زرد شود و بدنش بلرزد». همین که به مسجد رفت که به در مسجد می‌رسید، سرشان را بلند می‌کرد و رو به آسمان می‌گفت: «ای خدای من، این مهمان توست که به درگاه تو ایستاده، ای خداوند نیکوکار، به نزد تو آمده بنده تبهکار، پس درگذر از کارهای زشت و ناستوده من به نیکبختی خودت ای کریم» (مناقب، ج ۴، ص ۱۴).

امام صادق(رض) درباره جایگاه عبادی ایشان فرمود: «حسن بن علی(رض) عابدترین و

زاهدترین و برترین فرد روزگار خود بود. هنگامی که به حج می‌رفت با پای پیاده می‌رفت و حتی بارها با پای برهنه از مدینه به سوی مکه روانه می‌شد. به هنگام یاد مرگ و قبر و برانگیخته شدن در روز رستاخیز و به دست گرفتن نامه اعمال به سختی می‌گریست. هرگاه سخن از گذشتن از صراط و عرضه اعمال به خداوند به بیان می‌آمد، آن‌چنان ناله می‌زد که همگان برای حال او نگران می‌شدند. وقتی به نماز به پا می‌خاست در برابر پروردگار می‌ایستاد، تمام بدنش از ترس خدا می‌لرزید. آنگاه که یاد بهشت و جهنم می‌افتاد، نگرانی عجیبی سراپایش را فرا می‌گرفت و به سان انسان عقرب‌گزیده ناله می‌کرد و به خود می‌پیچید. از خدا بهشت را می‌خواست و از جهنمش دوری می‌گزید. اعمال و رفتار او به گونه‌ای بود که هر بیننده‌ای را به یاد خدا می‌انداخت. سخنی راست، درست و شیوا داشت. هرگاه قرآن، مؤمنان را خطاب می‌کرد که «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا...» پاسخ می‌گفت: «لبیک اللهم لبیک». امام رضا (رض) نیز فرمودند: امام حسن (رض) در موقع مرگ گریه می‌کرد. به ایشان عرض کردند: شما چرا گریه می‌کنید، در حالی که جایگاه بلندی نزد پیامبر دارید و بیست مرتبه، پیاده به سفر حج رفته‌اید و تمام اموال، حتی کفشهایتان را سه مرتبه در راه خدا تقسیم کرده‌اید؟ فرمودند: «به دو چیز اشک می‌ریزم: یکی هول مطلع (ایستادن در روز قیامت و گرفتاریهای گوناگون پس از مرگ) و فراق و جدایی از دوستان» (بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۳۳۱).

همین که به نماز می‌ایستاد، بندهای بدنش می‌لرزید، به جهت آنکه خود را در مقابل پروردگار خویش می‌دید. در هیچ حالی، کسی او را ملاقات نکرد، مگر آنکه می‌دید مشغول به ذکر خداوند است و زبانش از تمام مردم راستگوتر بود و بیانش از همه کس فصیح‌تر بود.

توصیه‌های امام حسن (رض) برای ماه مبارک رمضان از جمله نکاتی که حضرت در ماه مبارک رمضان به آن اشاره دارند، بهره‌گیری از فضای روحانی و معنوی ماه مبارک رمضان و پرهیز از اسراف وقت و بیهودگی است.

۱. پرهیز از سهل‌انگاری

«خداوند متعال ماه رمضان را برای بندگان خود میدان مسابقه قرار داد. پس عده‌ای در آن ماه با اطاعت و عبادت به سعادت و خشنودی الهی از یکدیگر سبقت خواهند گرفت و گروهی از روی بی‌توجهی و سهل‌انگاری خسارت و ضرر می‌بینند» (تحف العقول، ص ۲۳۴).

۲. پرهیز از خنده بیجا و بیهوده

امام حسن (رض) در روز عید فطر، نگاهش به گروهی افتاد که به بازیهای بیهوده و خنده‌های بی‌جا اشتغال داشتند. بالای سر آنان ایستاد و فرمود: «خدای تعالی ماه رمضان را میدان مسابقه خلق خود قرار داده است تا در آن به سوی طاعت او سبقت گیرند و رضایتش را بجویند. آن گروهی که پیشی گرفتند، کامیاب شدند و گروهی که کوتاهی کردند، نومید و زیانکار گشتند. بسیار جای تعجب است از کسانی که مشغول بازی و خنده‌های بی‌جا هستند، در روزی که نیکوکاران پاداش می‌گیرند و بیهودگان در آن روز زیان و خسران برند، به خدا قسم اگر پرده برداشته شود، هر آینه خواهند دانست که نیکوکار به پاداش خود رسیده و بدکاران به کیفر اعمال خود گرفتارند. آنگاه آن حضرت از کنار آنان گذر کرد.

امام حسن مجتبی (رض) در این حدیث به اهمیت حُسن استفاده از فرصتها و شب و روزهای مبارک، مانند روز عید فطر و دیگر اوقات برکت‌دار اشاره می‌کند که باید برای جلب رحمت و مغفرت الهی و کسب معنویت کوشید و از این‌گونه فرصتها و موقعیتها بهره فراوانی برد و فرصت را بیهوده از دست نداد.

گزیده‌هایی از کلام گهربار امام حسن (رض)

۱. حقیقت عظمت و بزرگی

از امام حسن (رض) سؤال کردند: «عظمت و بزرگی در چیست؟» فرمودند: «در هنگام خشم عطا کند و از جرم و خطا در گذرد» (تحف العقول، ص ۲۳۵).

۲. اهمیت فراگیری علم و دانش

«تعلموا العلم فان لم تستطیعوا حفظه فاکتبه و ضعه فی بیوتکم»؛ «دانش را - از هر طریقی - فرا گیرید و چنانچه نتوانستید آن را در حافظه خود نگه دارید، ثبت کنید و بنویسید و در منازل خود در جای مطمئن قرار دهید» (احقاق الحق، ج ۱۱، ص ۲۳۵).

۳. علل نابودی دین و ایمان

«هلاکت و نابودی دین و ایمان هر شخص در سه چیز است: تکبر، حرص و حسد. تکبر سبب نابودی دین و ایمان شخص است و به وسیله تکبر شیطان با آن همه عبادت،

ملعون گردید. حرص و طمع، دشمن شخصیت انسان است، همان‌طور که حضرت آدم(ع) به وسیله آن از بهشت خارج شد. حسد سبب همه خلافها و زشتیها است و به همان جهت، قاییل برادر خود هابیل را به قتل رساند» (بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۱۱۱، ح ۶).

۴. مروت و جوانمردی

از حضرت درباره مروت و جوان مردی سؤال شد، فرمود: «جوان مرد کسی است که در نگه‌داری دین و عمل به آن تلاش کند و در اصلاح اموال و ثروت خود همت گمارد و در رعایت حقوق طبقات مختلف پابرجا باشد» (تحف العقول، ص ۲۳۵).

۵. تبعات مزاح و شوخی زیاد و بیجا

«مزاح و شوخیهای زیاد و بیجا، شخصیت و وقار انسان را از بین می‌برد و چه بسا افراد ساکت دارای شخصیت و وقار عظیمی می‌باشند» (کلمه الامام الحسن(ع)، ص ۱۲۹).

۶. اهمیت برآوردن حاجت افراد

«هر آینه برآوردن حاجت و رفع مشکل دوست و برادرم، از یک ماه اعتکاف در مسجد و عبادت مستحبی نزد من بهتر و محبوب‌تر است» (بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۱۳۹)

۷. حلال و حرام

امام حسن(رض) می‌فرماید: «چیزهای دنیا اگر حلال باشد، حساب و بررسی می‌شود. اگر از حرام به دست آید، عذاب و عقاب دارد و اگر حلال و حرام آن معلوم نباشد، سختی و ناراحتی خواهد داشت. پس باید دنیا (و موجوداتش) را همچون میت و مرداری بشناسی که به مقدار نیاز و اضطرار از آن استفاده کنی» (بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۳۶).

۸. برنامه‌ریزی برای دنیا و آخرت

«در دنیا - از نظر اقتصاد و صرفه‌جویی - چنان برنامه‌ریزی کن، مثل آنکه می‌خواهی همیشه دوام باشی و نسبت به آخرت به نوعی حرکت و کار کن مثل اینکه فردا خواهی مرد» (همان، ج ۷۵، ص ۳۴).

۹. فضیلت اندیشه

«بر شما لازم است که اندیشه کنید؛ زیرا فکر، کلیدهای درهای حکمت است» (میزان الحکمه، ج ۸، ص ۲۴۵).

۱۰. علت نابودی مردم

امام حسن فرمود: «نابودی مردم در سه چیز است: ۱. بزرگ نمایی ۲. افزون خواهی بسیار ۳. حسد و رشک بردن. بزرگ نمایی که به وسیله آن دین نابود می‌گردد و به واسطه آن شیطان ملعون، رانده درگاه خدا شد و حرص که به خاطر آن آدم از بهشت خارج شد و رشک که سررشته همه بدیها است و به واسطه آن قابیل، هابیل را کشت.

۱۱. چگونگی رابطه با مردم

«ای پسرم سفارش مرا دریاب، در رابطه با مردم، خود را معیار و میزان قرار بده. هرچه را برای خود می‌خواهی، برای دیگران بخواه. هرچه را برای خود نپسندیدی برای دیگران نپسندد. به کسی ستم مکن، چنانچه دوست نداری به تو ستم شود. احسان کن، چنانچه دوست داری احسانت کنند. آنچه از دیگران زشت شماری، از خود زشت شمار. راضی باش از برخورد مردم با تو، آنچه که راضی هستی با مردم انجام دهی. آنچه نمی‌دانی و علم نداری مگو و به زبان نیاور. هرچه را هم که می‌دانی مگو و اظهار مکن. حرفی را که نخواهی به تو گویند، برای دیگران مگو.»

۱۲. حقیقت کمال انسانی

«کسی که عقل ندارد، ادب ندارد و کسی که همت ندارد، جوان مردی ندارد و کسی که حیا ندارد، دین ندارد» (چهل حدیث، ص ۱۱۵).

امام حسن (رض) فرمود: «آغاز نمودن به بذل و بخشش پیش از درخواست و تقاضا، از بزرگ‌ترین شرافت و بزرگی است.»

